

زمینه‌ها و موانع هویت‌بنیاد همکاری جمهوری اسلامی ایران با احزاب و جنبش‌های اسلام‌گرای

سنی (مطالعه موردی اخوان المسلمین مصر و عدالت و توسعه ترکیه)

ابوذر گوهری مقدم*

محمد اسلامی مجد**

چکیده

جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه نظامی مبتنی بر اسلام سیاسی، وحدت مسلمانان را از آرمان‌های خود می‌داند. ماهیت و آرمان مزبور، همکاری با گروه‌های اسلام‌گرا را به‌سان سیاستی اولویت‌دار، بایسته می‌سازد؛ اما همکاری در صحنه واقعی روابط بین‌الملل با چالش‌هایی مواجه است. مسئله این پژوهش، شناخت زمینه‌ها و موانع این همکاری است. در این راستا، جنبش اخوان المسلمین مصر و حزب عدالت و توسعه به‌عنوان موارد مطالعاتی انتخاب شده‌اند. اهمیت و ضرورت این پژوهش، در ژرفابخشی به نظروعمل حوزه سیاست‌گذاری ارتباط با جریان‌های اسلام‌گرا نهفته است. پرسش اصلی آن است که زمینه‌ها و موانع همکاری جمهوری اسلامی ایران با اخوان المسلمین مصر و عدالت و توسعه چیست؟ با گزینش نظریه سازه‌نگاری به‌عنوان چهارچوب نظری، زمینه‌ها و موانع همکاری جمهوری اسلامی با موارد مطالعاتی در سطح کارگزاری - با تأکید بر مقوله هویت - مورد بررسی قرار گرفته‌اند. داده‌ها با روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و با کاربست روش تطبیقی تجزیه و تحلیل شده‌اند. براساس یافته‌ها، زمینه‌های همکاری جمهوری اسلامی و اخوان، مبتنی بر اشتراکات در هویت‌های نوعی و نقشی دو بازیگر شامل اسلام‌گرایی، حمایت از مستضعفان و مسلمانان و مقابله با مستکبران و بیگانگان است؛ موانع همکاری دو بازیگر نیز ناشی از نبود هویت جمعی مشترک است. در همکاری جمهوری اسلامی و حزب عدالت و توسعه، موانع بر زمینه‌ها فزونی دارد و ناسازگاری در هویت مبتنی بر نقش دو بازیگر - برتری منطقه‌ای برای ایران و دولت مرکزی برای

gohari@isu.ac.ir

* استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق علیه السلام

** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام

majd1372@elenoon.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۷

فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره سی‌وهشتم، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۹۶-۱۶۳

آک‌پارتی- و هویت جمعی دو طرف -مقاومت برای جمهوری اسلامی و عثمان‌گرایی برای آک‌پارتی- بر سازگاری در مؤلفه هویتی مردم‌سالاری -نوعی برای جمهوری اسلامی و پیکروار برای آک‌پارتی- فزونی دارد.

واژه‌های کلیدی: همکاری، اسلام‌گرایی، جمهوری اسلامی ایران، حزب عدالت و توسعه،
اخوان‌المسلمین مصر

مقدمه

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از جمله حوزه‌های مهمی است که اسلام‌گرایی نقش بارزی در تدوین، اجرا و بازنگری آن داشته و در اساس حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش و دفاع از مسلمانان از اصول و مبانی این سیاست خارجی هستند؛ چنان که در قانون اساسی به ویژه اصول سوم و صد و پنجاه و چهارم و همچنین منویات امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب مورد اشاره قرار گرفته و دستیابی به اتحاد میان مسلمانان را از جمله آرمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی نموده است. اما این مهم در صحنه مناسبات میان اسلام‌گرایان در محیط واقعی روابط بین‌الملل هرگز کاملاً تحقق نیافته و موانعی سد راه آن شده است تا جایی که در موارد متعددی منافع، اهداف، نقش‌ها، سیاست‌ها و اعمال جمهوری اسلامی و برخی بازیگران اسلام‌گرا نه تنها در راستایی همکاری‌جویانه نبوده؛ بلکه با یکدیگر ناسازگار شده و نوعی واگرایی میان آن‌ها به وجود آورده است. در این میان، ضرورت همکاری مزبور و موانع این راه در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و احزاب و جنبش‌های اسلام‌گرای اهل سنت نمودی بیش‌تر و اهمیتی فزون‌تر دارد؛ چه آنکه بدون تردید همکاری جمهوری اسلامی با کنشگران سیاسی شیعه در سطح مطلوبی قرار دارد. در این راستا با توجه به گستردگی احزاب و جنبش‌های اسلام‌گرا و از سوی دیگر، اهمیت منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا به‌عنوان محیط اولیه و اصلی کنشگری خارجی جمهوری اسلامی ایران و بازیگران این منطقه، موارد مطالعه این پژوهش عبارت‌اند از حزب عدالت و توسعه ترکیه و اخوان المسلمین مصر. بر این اساس،

این پژوهش به دنبال اکتشاف علل همکاری و عدم آن میان جمهوری اسلامی ایران، اخوان‌المسلمین مصر و عدالت و توسعه ترکیه، براساس رهیافتی سازه‌انگارانه، با استفاده از روش تطبیقی و با بهره‌گیری از منابع موجود است. اهمیت این پژوهش علاوه بر تعمیق شناخت علمی از چگونگی روابط میان بازیگران اسلام‌گرا در تحلیل روابط بین‌الملل به‌عنوان رشته‌ای علمی، در خود موضوع و پردازش آن بدیع است؛ از سوی دیگر از نظر اهمیت عملی در تلاش است تا با کندوکاو در یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که در تفاوت و بعضاً تعارض منافع، مواضع و عملکردها در مسائلی چون بیداری اسلامی و بحران سوریه نمود بارزتری یافت، گامی در راستای گشودن گره‌های این معضل عملی، از طریق ژرف‌بخشی به دریافت علمی از علل واهمگرایی بازیگران اسلام‌گرا، بردارد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که زمینه‌ها و موانع همکاری جمهوری اسلامی ایران با اخوان‌المسلمین مصر و عدالت و توسعه ترکیه چیست؟ این پژوهش، فرضیه‌محور نبوده و اکتشافی است. نوشتگان پیشین مربوط به بحث حاضر، نخست پژوهش‌هایی هستند که به تعریف و تبیین هویت و منافع هریک از بازیگران مورد بحث پرداخته‌اند که در زیر به مهم‌ترین منابع موجود اشاره شده و وجوه نوآوری پژوهش کنونی با آنها توضیح داده خواهد شد.

در میان پژوهش‌های دسته اول در مورد جمهوری اسلامی می‌توان به کتاب «منافع ملی جمهوری اسلامی ایران» (کیانی، ۱۳۸۶) اشاره کرد که در مقالات آن نویسندگان از منظرگاه‌های گوناگون به دو متغیر هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نگریسته‌اند. در خصوص هویت و منفعت اخوان، مهم‌ترین منبع را می‌توان پژوهش خلیل العنانی با عنوان «درون اخوان‌المسلمین، دین، هویت و سیاست» به شمار آورد (Al-Anani, 2016). در این پژوهش با تمرکز بر تاریخ تحولات اخوان‌المسلمین، هویت این جماعت از منظر اسناد به جای مانده از حسن البنا به‌عنوان مؤسس جماعت و همچنین مصاحبه با رهبران رده بالای معاصر جنبش با کاربری نظریه جنبش‌های اجتماعی ترسیم شده است.

نمونه پژوهش‌هایی که به‌طور خاص بر هویت حزب عدالت و توسعه پرتو افکننده عبارت است از مقاله «عدالت و توسعه: هویت، سیاست و گفتمان حقوق بشر در جست‌وجوی امنیت و مشروعیت» (Dagi, 2006). افزون بر این، مجموعه نوشتگان مربوط به «هاکان یاووز» که بر اسلام‌گرایی در ترکیه معاصر و هویت گروه‌های سیاسی اسلام‌گرا تاکید دارد نیز در این میان قابل توجه است که از جمله آنها می‌توان به کتاب «ظهور یک ترکیه جدید: دموکراسی و آک‌پارتی» (Yavuz, 2006) و «سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه» اشاره کرد (یاووز، ۱۳۸۹).

وجه ممیز پژوهش حاضر با پژوهش‌های مزبور را می‌توان در موارد زیر بیان کرد: تاکید مقاله بر هویت به‌مثابه انگاره‌ای برساخته سازمان اخوان‌المسلمین و عدالت و توسعه و تبیین مقوله هویت در قالب الگوی چهارگانه مستخرج از چهارچوب نظری و درج این موارد در بستر ارتباط آن با موضوع همگرایی و اگرایی با جمهوری اسلامی، تلاش پژوهش حاضر برای استخراج هویت‌های بازیگران از طریق تمرکز بر اسناد و منابع دست‌اول؛ شامل آیین‌نامه‌های داخلی، قوانین، بیانات و دیگر منابع تولیدی توسط خود بازیگران است.

چهارچوب نظری

رویکرد نظری این پژوهش را نظریه سازه‌انگاری روابط بین‌الملل تشکیل می‌دهد. بخش مورد توجه از نظریه سازه‌انگاری که به پی‌ریزی چهارچوب نظری و قالب تحلیلی این پژوهش یاری می‌رساند، نگاه این نظریه به موضوع «همکاری» میان بازیگران عرصه روابط بین‌الملل با تاکید بر مقوله محوری «هویت» است. در این راستا، تلاش می‌شود که با بهره‌گیری از روایت «الکساندر ونت» از نظریه سازه‌انگاری، موضوع همکاری تبیین شود.

ونت به‌طور مشخص و در پژوهشی جداگانه به موضوع همکاری و منازعه پرداخته است، اما می‌توان با بررسی آثار وی این پدیده را مورد واکاوی قرار داد. براساس پژوهش عسگرخانی و منصوری مقدم (عسگرخانی و منصوری مقدم، ۱۳۸۹) درباره پدیده همکاری و منازعه از منظر ونت، این موضوع به‌طور بنیادین به دو مقوله «هویت» و «فرهنگ» یا نظام شناختی مشترک بستگی دارد؛ هویت

امری مربوط به سطح تحلیل خرد و فرهنگ امری مربوط به سطح تحلیل کلان است. در میانه این دو سطح باید به مسئله «منافع» - که چه بسا بتوان آن را در سطح تحلیل میانی مورد کاوش قرار داد - توجه نمود؛ اما با توجه به آنکه منافع از نظر سازه‌انگاری خود طفیلی هویت است (ونت، ۱۳۸۴: ۳۳۶)؛ از این‌رو در این پژوهش دو موضوع هویت و منفعت همراه با هم مدنظر قرار گرفته‌اند. افزون بر این، پژوهش حاضر در میانه دو گانه هویت و فرهنگ که نخستین مسئله‌ای مربوط به سطح کارگزاری و دیگری امری مربوط به سطح ساختاری است، تنها بر بخش کارگزاری تمرکز دارد و تحلیل همکاری را با توجه به مؤلفه‌های سطح ساختار با تاکید بر مفهوم «فرهنگ‌های آنارشی» به پژوهشی دیگر موکول می‌کند.^(۱)

هویت به‌عنوان مقوله قوام‌بخش به کارگزار، تعریف آنها، موضع سازه‌انگاری درباره این دو مفهوم در قیاس با موضع نظریات رقیب، گونه‌شناسی آنها و نقش این دو مفهوم در تبیین پدیده همکاری و منازعه در روابط بین‌الملل و علت‌کاوی این دو پدیده، در این بخش مورد توجه است.

هویت در تعریفی فراگیر مساوق مفهوم ماهیت در فلسفه و به معنای هر آنچه که چیزی را به آن چیز تبدیل می‌کند است (Wendt, 1999: 224)؛ اما برای شناخت مفهوم هویت در روابط بین‌الملل نیاز به تعریفی مانع‌تر است؛ از این‌رو ونت آن را به‌مثابه «خصوصیتی در کنش‌گران نیت‌مند که موجب تمایلات انگیزشی و رفتاری است» تعریف کرده است. بر این اساس آن را ویژگی ذهنی - بالتبع مربوط به سطح واحد - ریشه‌دار در ادراک کنشگر از خود و بازنمایی دیگر کنشگران از بازیگر - از این‌رو دارای ویژگی بین‌الذهانی و نظام‌محور - می‌داند (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۶).

سازه‌انگاری برخلاف نظریات رقیب خردگرای خود یعنی نواقح‌گرایی و نولیبرالیسم که هویت‌ها را مفروض و مسلم می‌انگارند، بر آن است که هویت‌ها به‌طور دائمی بازتولید شده و تحول می‌یابند؛ اما این فرایند همیشگی می‌تواند چنان باثبات باشد که هویت‌ها مسلم انگاشته شوند (ونت، ۱۳۸۴: ۵۴ - ۵۵).

ونت هویت‌ها را به چهار گونه تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از:

«هویت شخصی یا پیکر وار؛

نوعی؛

مبتنی بر نقش؛

جمعی» (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۶).

هویت شخصی مربوط به افراد است و هویت پیکروار مربوط به سازمان‌ها، اینگونه از هویت، هویتی است که توسط ساختارهای خودسامان بخش تکوین می‌یابند، دارای وجهی مادی - در مورد اشخاص، بدن آنها و در مورد دولت‌ها، سرزمین - است؛ اما وجه اصلی اینگونه از هویت که عامل تمایز یک شخص یا سازمان یا دولت است، وجهی معنایی یعنی «آگاهی و خاطره‌ای از خود» برای انسان و «روایت مشترکی از خود به‌عنوان یک کنشگر جمعی پیکروار» برای اعضای یک دولت است. این هویت، بستری برای بروز سایر گونه‌های مذکور است (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۷).

بر این اساس، هویت نوعی - مفهومی که ونت آن را از جیمز فیرون اقتباس کرده - به مقولات اجتماعی یا برچسب‌هایی اشاره می‌کند که در مورد اشخاصی به کار می‌رود که خصوصیات مشترکی از نظر رفتار، باورها، رویکردها، ارزش‌ها، مهارت‌ها (برای نمونه زبان)، دانش، عقاید، تجربه، اشتراکات تاریخی چون محل زندگی و... دارند یا گمان می‌شود که خصوصیات مشترکی دارند؛ مانند هویت مربوط به سخن گفتن به زبانی خاص، هویت نوجوانان، هویت وابستگان حزبی و... (Fearon, 1997: 17). چند نکته مهم درباره هویت نوعی وجود دارد که ونت به آنها اشاره می‌کند: نخست آنکه کنشگر - خواه شخص، سازمان، حزب یا دولت - می‌تواند در آن واحد هویت‌های نوعی فراوانی داشته باشد، دوم آنکه دستیابی به هر ویژگی موجد هویتی نوعی نیست؛ بلکه ویژگی‌هایی که حاوی معانی اجتماعی هستند، قابلیت ارائه هویت نوعی را دارند؛ از جمله قواعد عضویت کم‌وبیش رسمی - مانند شناسایی به‌عنوان حزبی از احزاب اسلام‌گرا - چنین معنایی را به ارمغان می‌آورند و این نکته خود به معنا نقش «دیگران» در قوام‌بخشی به هویت

نوعی است. امر مهم در اینجا رسمیت داشتن قواعد در زمان و مکان و گفتمان رایج است تا معنادار شوند؛ مثلا امروزه بسیاری از دولت‌ها ممکن است نظام‌های پارلمانی یکسانی داشته باشند، اما این خصوصیت مشترک میان آنها امروزه از منظر مثلا دانشمندان سیاست تطبیقی به عنوان خصوصیت مشترک معنادار نباشد و آنها را در رده نظام دولت‌های با هویت واحد جای ندهند، سوم آنکه این هویت برخلاف دو هویتی که در ادامه توضیح داده خواهد شد، هرچند نقش دیگران در قوام‌یافتن خود را به رسمیت می‌شناسد، اما ذاتی کنشگر است؛ بدین معنا که مثلا خصوصیتی که اخوان‌المسلمین را به «اسلام‌گرایی» موصوف می‌کند، صرف‌نظر از اینکه دیگران آن را به رسمیت بشناسند یا نه، واقعا در این حزب وجود دارد (ونت، ۱۳۸۴: ۳۳۸-۳۳۰).

هویت مبتنی بر نقش، در نقطه مقابل هویت نوعی، مربوط به خصوصیات ذاتی و ماقبل اجتماعی نیست، بلکه اساسا توسط دیگران شکل می‌گیرد. بازیگر این هویت را تنها با قرار گرفتن در موضعی از یک ساختار اجتماعی و پیروی از هنجارهای رفتاری نسبت به «دیگران» که هویت متقابل او را دارند، حائز می‌شود (ونت، ۱۳۸۴: ۳۳۰). مثال ساده و در سطح واحد هویت مبتنی بر نقش، هویت دانشجویی یا استادی است که در اساس تا پیش از موضع‌گیری در یک ساختار اجتماعی، هیچ خصوصیت ذاتی بیانگر آن نیست و کاملا نسبت به دیگران مطرح می‌شود. مثال دیگر در این رابطه هویت استکبارستیزی در مقابل مستکبران، مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و حامی مستضعفین به نسبت مستضعفان برای جمهوری اسلامی ایران یا هویت هژمون به نسبت دولت‌های پیرو برای ایالات متحده امریکا است. در خصوص تمرکز این سنخ از هویت توسط نظریه‌پردازان سیاست خارجی باید به دو نوع پردازش اشاره نمود؛ نخست توجه به مقوله نقش و هویت مبتنی بر نقش به‌عنوان مقوله‌ای در سطح کارگزاری و بدون توجه به ساختار اجتماعی سیاست بین‌الملل است که بر این اساس، «نقش‌ها پدیده‌هایی مربوط به سطح واحد هستند و به ژرف‌ساخت نظام ربطی ندارند» (ونت، ۱۳۸۴: ۳۳۱). نگاه نوع دوم، نقش را پدیده‌ای ساختاری می‌داند و آن را در

دوگانه کارگزار و ساختار از منظر ساختار می‌نگرد.

هویت جمعی یا هویت اجتماعی بر یکسان‌انگاری خود و دیگری تاکید دارد. در این نوع هویت، تمایز میان خود و دیگری رنگ باخته و یا حداقل می‌توان گفت که مرزهای خود را گسترش می‌دهد؛ به گونه‌ای که دیگری را نیز در بر بگیرد. علی‌رغم اینکه هویت مبتنی بر نقش، نقش‌های متمایزی میان «خود» و «دیگری» ایجاد می‌کند اما هویت جمعی، نقش‌ها را با یکدیگر ترکیب کرده و به یک هویت تبدیل می‌کند. نکته دیگر آنکه هویت جمعی حاوی ویژگی‌های مشترک است، اما هر هویت نوعی جمعی نیست؛ برای مثال فرانسوی صحبت کردن را می‌توان به‌عنوان هویت نوعی مشترک بسیاری از فرانسوی‌ها و الجزایری‌ها در نظر گرفت، اما این ویژگی مشترک، لزوماً هویت جمعی آنها را ایجاد نمی‌کند و چه‌بسا بسیاری از الجزایری‌هایی که به فرانسوی نیز صحبت می‌کنند، علیه فرانسه جنگیده باشند یا از آن و ویژگی‌های هویتی‌اش متنفر باشند. نکته مهم در تمایز‌انگاری میان هویت جمعی و هویت‌های نوعی و مبتنی بر نقش، وجود عنصری در هویت جمعی است که ونت آن را «قدرت برای واداشتن کنش‌گران به تعریف رفاه دیگری به‌عنوان بخشی از رفاه خود» یا همان نوع دوستی یا محاسبه منافع براساس گروه یا تیم است (ونت، ۱۳۸۴: ۳۳۴). برای نمونه هویت شکل‌گرفته میان جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله لبنان و دیگر گروه‌های مقاومت شیعه همپیمان را به‌عنوان محور مقاومت و هویت «غرب» برای امریکا همراه با دیگر دولت‌های غربی را می‌توان از سنخ هویت جمعی به‌شمار آورد. نکته مهم آنکه شکل‌گیری و وجود این هویت عاملی برای همکاری و نبود آن مانعی در برابر آن است.

۱. گونه‌شناسی هویت‌های جمهوری اسلامی ایران

در این بخش تلاش شده تا هویت‌های چهارگانه پیکروار، نوعی، مبتنی بر نقش و جمعی جمهوری اسلامی ایران و منافع مبتنی بر این هویت‌ها، براساس اسناد رسمی جمهوری اسلامی ایران از جمله قانون اساسی، چشم‌انداز بیست ساله و سیاست‌های کلی نظام و کنش‌های چهارگانه جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل

تبیین شود.

۱-۱. هویت پیکروار جمهوری اسلامی ایران

چنانکه در بحث نظری توضیح داده شد، ویژگی‌های خالص ذاتی یک دولت، سازنده هویت پیکروار آن هستند و این‌گونه از هویت بیش‌تر بر عناصر مادی منحصربه‌فرد و ذاتی یک دولت و پیش از ورود آن دولت به عرصه اجتماع مربوط می‌شود؛ از این‌رو می‌توان بنیادهای مکانی و جغرافیایی هویت یک کشور را که کاملاً منحصربه‌آن هستند، از عناصر هویت پیکروار آن تلقی نمود و در چنین سطحی، هویت اساساً موضوعی مربوط به جغرافیای سیاسی است (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۶: ۱۲۶). با این توضیح، عناصری چون سرزمین ایران، مرزهای ایران، حکومت ایران، تاریخ ایران، فرهنگ ایران، نام ایران و نمادهای جغرافیایی ایران (قالیباف و پوینده، ۱۳۹۰: ۱۷-۲۱) تشکیل دهنده هویت پیکروار جمهوری اسلامی ایران هستند که می‌توان آن را تحت عنوان «ملی‌گرایی» مبتنی بر دو پایه اصلی «ایرانیت» و «مذهب تشیع» صورت‌بندی نمود. تأکید بر حکومت و ملت ایران در نخستین اصل قانون اساسی، بندهای اول تا ششم اصل دوم و اصل دوازدهم شاهدهی بر این هویت جمهوری اسلامی ایران است.

۱-۲. هویت نوعی جمهوری اسلامی ایران

چنانکه ذکر شد، هویت نوعی متضمن عناصر ذاتی یک دولت است که امکان عضویت آن در گروه یا گروه‌های به‌رسمیت شناخته‌شده را می‌دهد. پایه اصلی تشکیل این نوع هویت را عناصر ذاتی دولت به دست می‌دهد، اما دیگران نیز در تکوین آن نقش دارند. یک کشور می‌تواند چندین هویت نوعی داشته باشد. با این توضیح، هویت‌های نوعی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در سه مورد زیر صورت‌بندی نمود:

۱-۲-۱. اسلام‌گرایی شیعی

مقصود از اسلام‌گرایی، ایدئولوژی سیاسی و پروژه‌ای است که هدف آن احیا و کاربست دین اسلام در زندگی و کنش سیاسی است (Al-Anani, 2016: 163). باور

به لزوم برپایی حکومت دینی مصرح در اصل نخست قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران را در کمپ دولت‌های اسلام‌گرا قرار می‌دهد. تاکید بر ابتدای نظام دولت بر ولایت فقیه چنانکه در اصل پنجم قانون اساسی مورد تاکید است، سنخ این اسلام‌گرایی را به صورت اسلام‌گرایی شیعی تبیین می‌نماید.

۱-۲-۲. مردمسالاری

جمهوریت نظام سیاسی حاکم بر ایران پس از انقلاب اسلامی و ابتدای این نظام بر آرای مردم، به تصریح اصول اول و ششم، به عنوان عناصر ذاتی تشکیل دهنده هویت جمهوری اسلامی ایران، این دولت را در گروه دولت‌های مردمسالاری قرار می‌دهد.

۱-۲-۳. عدم تعهد

«عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر» که به تصریح در اصل یکصد و پنجاه و دوم قانون اساسی آمده است، جمهوری اسلامی ایران را در گروه دولت‌های غیرمتعهد قرار می‌دهد.

۱-۳-۳. هویت مبتنی بر نقش جمهوری اسلام ایران

این هویت اساساً ماهیتی اجتماعی دارد و به نوعی بیانگر ماهیت و موضع دولت در قبال سایرین است. در رابطه با جمهوری اسلامی ایران می‌توان دو هویت مبتنی را به شرح زیر بازشناخت که هویت نخست ماهیتی ایجابی دارد و دیگری ماهیتی سلبی:

۱-۳-۱. حمایت از مستضعفین

تاکید بر حمایت «از مبارزه حق طلبانه مستضعفین» در اصل یکصد و پنجاه و چهارم و بند شانزده از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هویت مبتنی بر نقش مثبتی را در قالب حمایت‌گری برای جمهوری اسلامی ایران به ارمغان می‌آورد.

۱-۳-۲. استکبارستیزی

مقابله با مستکبران بیانگر وجه سلبی هویت مبتنی بر نقش جمهوری اسلامی ایران است که در اصل یکصد و پنجاه و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بیانات رهبران این نظام به آن تصریح شده است.

۱-۳-۳. برتری منطقه‌ای

بر اساس آنچه در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی آمده است و با توجه به گذشت زمان از تدوین و اجرای این سند، یکی از وجوه هویت مبتنی بر نقش جمهوری اسلامی، برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی است.

۱-۴. هویت جمعی جمهوری اسلامی ایران

چنانکه بیان شد، مقصود از هویت جمعی، هویتی است که به یکسان‌انگاری خود و دیگری اشعار دارد؛ بر این اساس، اساساً فاصله میان خود و دیگری از میان می‌رود. با این توضیح و با توجه به رفتار جمهوری اسلامی ایران طی چهل سال از عمر خود، هویت «مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی» را که در قالب مفهوم «محور مقاومت» تبیین می‌شود، می‌توان هویت جمعی دانست که جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های مقاومت در آن شریک هستند. ملاحظه مهم در اینجا آن است که «امت‌محوری» را که در اصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن تصریح شده، نمی‌توان به‌عنوان هویت جمعی جمهوری اسلامی ایران و دیگر مسلمانان جهان در نظر گرفت؛ زیرا این اصل بر هویت جمعی یک‌یک افراد مسلمان تأکید دارد، نه دولت. به دیگر سخن، واحدی که در این اصل بر آن تأکید شده فرد است، نه دولت و اصل مذکور دولت جمهوری اسلامی را ملزم نموده که امت اسلامی را به معنای اتحاد ملل و دول اسلامی تشکیل دهد و این خود بدان معناست که چنین امتی در این سطح هنوز تکوین نیافته است.

۲. گونه‌شناسی هویت اخوان‌المسلمین مصر

در این بخش تلاش شده تا هویت‌های چهارگانه پیکروار، نوعی، مبتنی بر نقش و جمعی اخوان‌المسلمین مصر بر اساس اسناد رسمی این حزب و از جمله رفتار آن

تیین شود. هویت یکی از سائقه‌های کلیدی کنش‌گری اخوان‌المسلمین است؛ مقوله‌ای که این جنبش از طریق آن، به جذب اعضا پرداخته، آنها را پرورش می‌دهد و جهان‌بینی آنها را ایجاد می‌کند.

۲-۱. هویت پیکروار اخوان‌المسلمین مصر

هویت پیکروار اخوان‌المسلمین را می‌توان در دو مفهوم زیر که به‌مثابه شکل و محتوای هویت پیکروار جنبش اخوان‌المسلمین مصر است، جست‌وجو کرد:

۲-۱-۱. اخوانیسم

به‌عنوان مفهومی تشکیل‌شده از پنج عنصر بیعت، پیروی، اعتماد، پایبندی، وابستگی یا وفاداری بر پایه اسلام، نمودار کد هویتی ذاتی اخوان‌المسلمین و متمایزکننده آن از هر جنبش اسلام‌گرای دیگری است (Al-Anani, 2016: 118). این عنصر که در هر فرد اخوانی حضور دارد، در چهارچوب جنبش اخوان‌المسلمین نیز نهادینه شده و محتوای جنبش را تامین می‌کند.

۲-۱-۲. جماعت

مقصود هنجارها و قوانین یا ساختار سازمانی است. به دیگر سخن، جماعت نظام شناختی و چهارچوبی است که محتوا شامل اهداف، راهبردها و ابزارهای جنبش را شامل می‌شود. از این رهگذر این مفهوم شامل غایات، اهداف، ماموریت، تکالیف، روش، ابزارها و مراحل جنبش اخوان‌المسلمین است (Al-Anani, 2016: 59).

۲-۲. هویت نوعی اخوان‌المسلمین مصر

مؤلفه‌های هویت‌های نوعی اخوان‌المسلمین را می‌توان در سه‌گانه زیر مورد بررسی قرار داد:

۲-۲-۱. اسلام‌گرایی سنی

باور به لزوم تثبیت اسلام در حیات فردی، اجتماعی و سیاسی، اخوان‌المسلمین را به عضوی از مجموعه جنبش‌ها و جریان‌های اسلام‌گرا مبدل می‌سازد. این امر در

شعار معروف اخوان المسلمین یعنی «اسلام راه حل است»^۱ هویدا است (عاکف، ۲۰۰۵). «حسن البناء» در ارائه فهم اخوان المسلمین از اسلام، به عنوان نخستین اصل از اصول بیست‌گانه فهم اسلام به‌مثابه یکی از ارکان ده‌گانه بیعت در رساله‌ی التعلیم، اسلام را «نظامی جامع که تمامی مظاهر زندگی را در بر می‌گیرد» معرفی می‌کند و از این منظر اخوان اسلام را «کشور و میهن، حکومت و امت، آفرینش، نیرو، رحمت، عدالت، فرهنگ، قانون، دانش، نظام قضایی، کسب‌وکار، جهاد، دعوت، ارتش، ایده، باوری راستین و عبادت درست» می‌داند (البناء: ۲۲۵). افزون بر این، در بند «و» ماده ۲ قانون داخلی جماعت اخوان المسلمین مربوط به سال ۱۹۴۸، (این بند همچنان اجرایی است و در بازنگری‌های بعدی دستخوش تغییر نشده است) یکی از اهداف اخوان المسلمین «برپایی دولتی شایسته که احکام و آموزه‌های اسلامی را به‌طور عملی اجرا نموده و از اسلام در داخل کشور حراست کند» معرفی شده است (اللائحه الداخلية لجماعة الاخوان المسلمین، ۱۹۴۸). در ماده دوم نظام‌نامه سال ۱۹۸۲ و بازنگری آن در ۱۹۹۴ که به‌مثابه قانون جهانی اخوان المسلمین است، اخوان المسلمین هیئت اسلامی معرفی شده که برای «برپایی دین خدا در زمین و محقق ساختن مقاصد که اسلام حنیف برای آنها آمده است، تلاش می‌کند» (النظام العام للاخوان المسلمین، ۱۹۸۲ و اللائحه العالمية لجماعة الاخوان المسلمین، ۱۹۹۴). همین مضمون در ماده دوم از نظام‌نامه داخلی اخوان المسلمین مربوط به سال ۱۹۴۸ نیز آمده است. ملاحظه مهم آن است که نوع اسلام‌گرایی جماعت اخوان المسلمین از سنخ سنی است. بنا در اصل ششم از اصول بیست‌گانه فهم اسلام چنین می‌گوید: «هرآنچه را از گذشتگان که رضوان خدا بر آنها باد، موافق کتاب و سنت باشد می‌پذیریم؛ در غیر این صورت کتاب خدا و سنت پیامبرش برای پیروی در اولویت‌اند» (البناء: ۲۲۶). اما هویت رسمی اخوان المسلمین تکفیری نیست، بنا خود از تکفیر بازداشته و می‌گوید: «مسلمانی را که به شهادتین اقرار نموده و به مقتضای آن عمل کرده و واجبات را انجام دهد، تکفیر نمی‌کنیم» (البناء: ۲۲۷)؛ بلکه اساساً هویت رسمی سازمان اخوان المسلمین

تقریبی است، چنانکه در اصل هشتم از اصول بیست‌گانه آمده که «اختلاف فقهی در فروع، سبب تفرقه در دین نیست و به خصومت منجر نمی‌شود... هر مجتهدی از پاداش بهره‌مند است» و بنا از ورود در مسائل اختلافی بازمی‌دارد. «سخن در ترجیح میان اصحاب که رضوان خدا بر آنها باد و اختلافی که میان ایشان حاصل شد را شرعاً ممنوع می‌دانیم» (بنا: ۲۲۶)؛ چنانکه بند «ب» ماده دوم از قانون داخلی اخوان مصوب سال ۱۹۴۸ نیز یکی از اهداف اخوان المسلمین را «نزدیک کردن نگاه‌های فرق اسلامی مختلف به یکدیگر» بیان شده است (اللائحه الداخلية لجماعة الاخوان المسلمین، ۱۹۴۸). بنابراین هویت نوعی اخوان المسلمین را می‌توان «اسلام‌گرایی» از نوع سنی آن برشمرد.

۲-۲-۲. هویت عربی

تاکید اخوان المسلمین بر لزوم آزادسازی حوزه نیل که در بند پنجم از ماده دوم مقررات داخلی مصوبه ۱۹۴۸ و مقررات بین‌المللی مصوب ۱۹۹۴ بر این امر دلالت دارد؛ چه‌آنکه از نظر اخوان المسلمین، سیاست خارجی مطلوب مصر نیز باید در سه محیط اصلی به کنش‌گری پردازد که اولین حوزه کنش‌گری، حوزه عربی است (عاکف، ۲۰۰۴).

۲-۲-۳. هویت افریقایی

تاکید اخوان المسلمین بر بایستگی آزادی حوزه نیل، چنانکه در بند «ه» ماده دوم مقررات داخلی اخوان بر آن تأکید شده و تأکید بر حوزه کشورهای افریقایی به‌عنوان دومین محیط کنش‌گری سیاست خارجی مصر، نمودار این مؤلفه هویت نوعی اخوان المسلمین است (عاکف، ۲۰۰۴).

۲-۳. هویت مبتنی بر نقش اخوان المسلمین مصر

هویت نقشی اخوان المسلمین را براساس آنچه در اسناد رسمی این جنبش به رسمیت شناخته شده، می‌توان در دو دسته هویت‌های سلبی و ایجابی جای داد که عبارت‌اند از:

۲-۳-۱. مقابله با حکام بیگانه یا غیراسلامی (وجه سلبی هویت نقشی اخوان المسلمین)

مقابله با سلطان فاسد، یکی از مؤلفه‌های هویت نقشی اخوان المسلمین است. این هدف بیانگر آن است که اخوان المسلمین حکام ناشایست کشورهای اسلامی را به‌عنوان دیگری هویت خود شناخته و به‌دنبال حذف آنها است. نکته مهم در اینجا تمایز میان قانون داخلی مصوب سال ۱۹۴۸ و اساسنامه‌های جهانی مصوب سال ۱۹۸۲ و بازنگری آن در ۱۹۹۴ است. توضیح آنکه در بند «ه» قانون داخلی اخوان مصوب سال ۱۹۴۸، «آزادی‌سازی ساحل نیل، کشورهای عربی و جهان اسلام از هر سلطان بیگانه» به‌عنوان یکی از اهداف بنیادین اخوان المسلمین ذکر شده است؛ در حالی که در بندهای متناظر همین اصل در دو قانون بین‌المللی مزبور، «آزادسازی جهان اسلام از هر سلطان غیراسلامی» آمده است. ملاحظه دیگر در شناخت وجه سلبی هویت نقشی اخوان المسلمین، تغییری است که در بازنگری تمامی قوانین داخلی پیشین اخوان المسلمین در سال ۱۹۴۸ رخ داده است و آن اینکه در قوانین داخلی اخوان المسلمین تا سال ۱۹۴۴، «غرب» به‌مثابه یک «دیگری» شناخته می‌شده و براساس بند «ب» باب اول قانون اساسی اخوان المسلمین، مقابله با تقلید از غرب و تمدن مادی آن، سازنده یکی از مؤلفه‌های هویت مبتنی بر نقش این جنبش بوده است؛ در حالی که این اصل هویتی در بازنگری سال ۱۹۴۸ حذف شده و دیگر اثری از آن نیست.

۲-۳-۲. کمک به اقلیت‌های مسلمان (وجه ایجابی هویت نقشی اخوان المسلمین)

«کمک به اقلیت‌های مسلمان در هر مکان» اصلی است که در تمامی قوانین مرجع اخوان به رسمیت شناخته شده و در بازنگری‌ها نیز دستخوش تغییر نشده است؛ از جمله موارد موجود در اسناد اخوان المسلمین می‌توان به بند «ه» ماده دوم از مقررات داخلی اخوان المسلمین مصوب سال ۱۹۴۸ و بند «ه» ماده دوم مقررات جهانی اخوان المسلمین مصوب سال ۱۹۹۴ اشاره کرد.

۲-۴. هویت جمعی اخوان المسلمین مصر

مهم‌ترین مولفه هویت جمعی اخوان المسلمین مصر یعنی مؤلفه‌ای که

اخوان‌المسلمین مصر خود را با آن یکسان می‌داند، می‌توان هویت اخوانی در سرتاسر جهان دانست. مقصود هویت همسوی اخوان‌المسلمین مصر با دیگر جنبش‌های اخوانی در جهان است. این همسویی حتی با نگاهی به اسناد جماعت اخوان‌المسلمین نیز قابل دریافت است؛ به‌طور مشخص براساس آنچه در مقدمه اساسنامه عمومی اخوان‌المسلمین مصوب سال ۱۹۸۲ آمده است، «اخوان‌المسلمین در هر جایی، جماعتی یگانه است که دعوت و اساسنامه اخوان آنها را با یکدیگر متحد می‌سازد» (النظام العام للاخوان‌المسلمین، ۱۹۸۲)، همچنین نسخه بازنگری‌شده اساسنامه سال ۱۹۸۲ با عنوان «قانون جهانی جماعت اخوان‌المسلمین» توسط «محمد حامد ابونصر» مرشد کل اخوان در سال ۱۹۹۴، معرفی شده است.

۳. گونه‌شناسی هویت حزب عدالت و توسعه ترکیه

در این بخش تلاش شده تا هویت‌های چهارگانه پیکروار، نوعی، مبتنی بر نقش و جمعی حزب عدالت و توسعه ترکیه و منافع مبتنی بر این هویت‌ها، تبیین شود.

۳-۱. هویت پیکروار حزب عدالت و توسعه ترکیه

مؤلفه‌های هویت‌های پیکروار حزب عدالت و توسعه را می‌توان در دوگانه زیر موردبررسی قرار داد:

۳-۱-۱. اسلام‌گرایی اصلاح‌طلب

حزب عدالت و توسعه خود را به‌عنوان یک حزب اسلام‌گرا تعریف نمی‌کند و رهبران آن با ارائه تصویر اسلام‌گرایانه از آن مخالفت می‌ورزند. اساساً مؤسسان حزب، هنگام پایه‌گذاری عدالت و توسعه، اعلام کردند که یک حزب کاملاً جدید را بنیان نهاده‌اند تا بر تمایز خود با احزاب مربوط به جنبش دیدگاه ملی^۱ تاکید کنند و بیان داشتند که حزب عدالت و توسعه یک حزب اسلام‌گرا نیست (Atacan, 2005: 188). با این حال، علی‌رغم این مواضع اعلامی، پیشینه مؤسسان و اعضای اصلی عدالت و توسعه از یک‌سو و همچنین وجود اسلام‌گرایی در کنش سیاسی

حزب، دو عاملی هستند که بار کردن هویت اسلام‌گرایانه را بر آن‌ها مجاز می‌سازد؛ هرچند این اسلام‌گرایی، به گونه خاصی است که آن را اصلاح‌طلبانه، نوگرایانه یا اعتدالی نامیده‌اند و در ادامه به آن اشاره می‌شود.

بیش‌تر بنیان‌گذاران و اعضای حزب عدالت و توسعه از سنت دیدگاه ملی به این حزب رحل‌عزیمت‌گزیده‌اند (Atacan, 2005: 187)، رهبران اصلی و مؤسس عدالت و توسعه، از اعضای جنبش دیدگاه ملی بودند. سه‌گانه رجب طیب اردوغان، عبدالله گل و بولنت آرینج همگی اعضای احزابی چون رفاه و فضیلت و از پیروان نجم‌الدین اربکان بودند (Dagi, 2006: 90). مؤسسان عدالت و توسعه خود از اسلام‌گرایان جنبش دیدگاه ملی بودند که جناحی تحت عنوان اصلاح‌طلبان یا نوگرایان را در مقابل جناح سنتی برجسته می‌ساختند. به‌طور کلی اصلاح‌طلبی به‌معنای تغییر در درجه تعهد به اسلام سیاسی نبود، بلکه به معنای بهره‌گیری از روش‌های جدید برای جذب هوادار بود و به معنای دقیق‌تر، اصلاح‌طلبان، در برابر سنت‌گرایان، خواستار تبدیل حزب رفاه از یک حزب ایدئولوژیک کادری^۱ به یک حزب تکثرگرا بودند که براساس آن درهای حزب برای هرکس که تنها کلیات جنبش «نگاه ملی» را بپذیرد گشوده است. بر این اساس، هدف غایی اصلاح‌طلبان تبدیل حزب به یک حزب تکثرگرا با پذیرش سکولارها در کنار اسلام‌گرایان و اسلام‌گرا کردن تدریجی سکولارها بود (Eligur, 2010: 198). ویژگی‌ها و مؤلفه‌های این هویت را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

• **تاکید بر اسلام اجتماعی به جای اسلام سیاسی:** این جناح بر اسلام اجتماعی به جای اسلام سیاسی تاکید داشت؛

• **تلاش برای دربرگیری شخصیت‌های بدون پس‌زمینه اسلامی در پیگیری سیاست‌های جذب:** پس از الغای حزب فضیلت توسط دادگاه قانون اساسی ترکیه، اردوغان تلاش کرد تا گروه‌های سیاسی و اجتماعی گسترده‌تری را در برگیرد. تلاش برای در برگیری لیبرال‌ها و راست میانه در انتخابات از جمله ارکان مونچو از حزب مام‌میهن، کوکزال توپتان و محمد دلگر از حزب راه درست و انتخاب

چهره‌های راست میانه برای کابینه اول حزب عدالت و توسعه؛

● **عملگرایی:** تجربه شهرداری اردوغان و لزوم برقراری طیف گسترده‌ای از روابط با جناح‌ها و اقشار گوناگون اجتماعی با هدف انجام خدمات اجتماعی، خدمت‌محوری را به جای ایدئولوژی مداری در ادراک اردوغان و بالتبع عدالت و توسعه از سیاست جای داد. بر این اساس، سیاست ابزاری برای حل مسائل و مشکلات است نه ابزاری برای ایجاد یک جامعه مبتنی بر ایدئولوژی. این انگاره، نمودار عملگرایی در هویت عدالت و توسعه است؛

● **موافقت با غرب و جهانی‌شدن:** درحالی‌که جریان اسلام‌گرای سنی، یکی از اصلی‌ترین دیگری‌های هویتی خود را غرب می‌دید و با غرب‌گرایی مخالفت می‌کرد، اصلاح‌طلبان پیوسته به عدالت و توسعه دریافتند که به غرب و ارزش‌های آن علیه کمالیست‌ها نیازمندند و از این‌رو با پیوستن به اتحادیه اروپا و فرایند جهانی‌شدن، موافقت داشتند (Dagi, 2006: 90-93).

حضور اسلام در کنش‌گری سیاسی عدالت و توسعه

مبارزه سیاسی حزب عدالت و توسعه بیانگر پیوند ژرف این حزب با حقوق دینی است. مسائلی از قبیل تلاش برای رفع ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌ها، تلاش برای آموزش دینی در مدارس و برقراری دوره‌های اختیاری آموزش قرآن در دبیرستان‌ها، هرچند که در پی مخالفت نخبگان کمالیست، عدالت و توسعه نیز در پیگیری سیاست‌های مزبور کوتاه آمد؛ اما وجود این موارد بیانگر جایگاه اسلام در هویت عدالت و توسعه است (یاووز: ۱۳۸۹: ۳۰). البته باید به این نکته توجه داشت که وجود این ابعاد اسلامی در سیاست‌ورزی عدالت و توسعه نه به خاطر دیدگاه این حزب درباره لزوم وارد کردن دین در سیاست بلکه از منظر اسلام‌گرایی اجتماعی است که حزب بدان پایبند است؛ یعنی حزب این ابعاد را به خاطر مسلمان بودن در سیاست‌ورزی خود وارد می‌کند نه اینکه قصد پیگیری سیاست‌ورزی اسلام‌گرایانه را داشته باشد (گوهری مقدم و مددلو، ۱۳۹۵: ۱۳۸).

۳-۱-۲. دموکراسی محافظه‌کار

دوگانه تاکید بر هویت تک‌واره یا چندتکه که آمارتیا سن مورد تاکید قرار می‌دهد (رک: سن، ۱۳۹۴). نقطه عزیمت این شناخت دموکراسی محافظه‌کار مورد تاکید حزب عدالت و توسعه است. هویت کمالیستی با سیاسی شدن توده‌ها و بازنمایی هویت‌های متمایز از هویت حاکمیت مخالف است و نسبت به هویت‌های اجتماعی متفاوت بدبین است (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۶). این به معنای تک‌وارگی هویت کمالیست‌هاست؛ در سوی دیگر عدالت و توسعه از تاکید بر یک هویت خاص دوری کرده و بر هویت‌های چهل‌تکه جامعه ترکیه تاکید دارد تا از این طریق اسلام نیز در کنار دیگر هویت‌ها جایگاهی داشته باشد (امام جمعه‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۱).

محافظه‌کاری انگاره‌ای است که در شخصیت اعضای مؤسس حزب و به‌ویژه شخص اردوغان از طریق آموزش، جافتاده بود و طی یک فرایند جامعه‌پذیری به‌عنوان یکی از شاخصه‌های هویتی اردوغان درآمده بود؛ انگاره‌ای که به واسطه تحصیل اردوغان و بسیاری از سران حزب در «انجمن ملی دانشجویان ترکیه»^۱ در آنها به وجود آمده بود؛ مؤسسه‌ای که آموزه‌های محافظه‌کاری را در آنها ایجاد نموده بود و تربیت شدگان آن با شهردار شدن اردوغان پای‌شان به حزب رفاه باز شد و بعدها عدالت و توسعه را تشکیل دادند (Atacan, 2005: 195).

محافظه‌کاری دیدگاهی است که اسلام را در کنار دیگر مؤلفه‌های هویتی تشکیل دهنده جامعه ترکیه از جمله ملی‌گرایی می‌پذیرد و از طریق تاکید بر سیاست‌های راست میانه به طرح موضوعات اسلامی جهت نقش‌تکوینی آن در هویت جامعه ترکیه می‌پردازد؛ نه به خاطر اسلامی بودن آنها و این راه را مسیری کم‌هزینه‌تر و پرفایده‌تر برای وارد کردن اسلام به عرصه سیاسی در ترکیه می‌داند (Atacan, 2005: 195, 197). این دیدگاه با پذیرش سکولاریسم، آن را علیه دین تعریف نکرده، نگاه‌های تندرو علیه دین را نفی کرده و خطرناک می‌داند و از سوی دیگر استفاده ابزاری از دین در راستای پیگیری اهداف سیاسی را نیز مخاطره‌آمیز

می‌داند؛ بدان جهت که هر دوی سیاست‌های مذکور به دو قطبی‌سازی جامعه و به نادیده گرفتن بخش‌هایی از هویت‌های اجتماعی جامعه ترکیه منجر می‌شود (Turunc, 2007: 85).

دموکراسی محافظه‌کار که مورد تاکید خود رهبران حزب برای تعریف هویت حزب عدالت و توسعه نیز هست،^(۲) به‌طور خلاصه بر منابع هویتی چندگانه، پیگیری سیاست‌های هویتی تکثرگرایانه، تدریج در پیگیری سیاست‌ها، در برگیری طیف وسیعی از پایگاه‌های اجتماعی، آزادی و حقوق اجتماعی تاکید دارد.

این مضمون در نظام‌نامه داخلی حزب عدالت و توسعه در سه ماده مورد اشاره قرار گرفته است. بند چهارم این نظام‌نامه بیانگر اهداف بنیادین حزب است، در ماده پنجم از این بند آمده که «حزب عدالت و توسعه هر نوع تبعیض در رابطه میان افراد و دولت را که مبتنی بر بایسته‌های یک جامعه دموکراتیک نیست، نفی می‌کند». در ماده ششم از همین بند اعلام شده که «حزب عدالت و توسعه معتقد است که ملت تنها از طریق بهره‌مندی از تمامی حقوق سیاسی به طریقه‌ای آزاد می‌تواند از حاکمیت برخوردار شود و بهره‌مندی آزادانه از حقوق سیاسی تنها از طریق یک نظم تکثرگرایانه و دموکراتیک آزاد امکان‌پذیر است». افزون بر این، در ماده سیزدهم از بند چهارم نیز اعلام شده که «عدالت و توسعه بر اهمیت ماهیت تکثرگرایانه و رقابتی یک دموکراسی نمایندگی تاکید دارد. حزب عدالت و توسعه بر این باور است که سازمان‌های غیردولتی در کاربست عملی ویژگی‌های دموکراسی محافظه‌کار و ایجاد و حفظ یک مدیریت عمومی قابل اتکا، کیفی و مولد به شدت مهم و ضروری هستند» (By-Law of The Justice and Development Party, 2012: 15-16).

یاووز عناصر برساخته محافظه‌کاری را سه مؤلفه زیر بر می‌شمارد:

۱-۲-۱-۳. خانواده‌گرایی: تاکید بر ارزش‌های خانوادگی مردسالارانه که خانواده را عنصر اصلی اجتماع می‌داند، عرصه سیاست را عرصه اصلی فعالیت مردان به شمار می‌آورد؛ به‌همین ترتیب زنان حامی عدالت و توسعه نقش چندانی در سیاست‌ورزی در این حزب ندارند.

۳-۲-۱-۲. عثمانیسم: مقصود ارائه نوعی روایت از گذشته عثمانی ترکیه به مثابه مظهر شکوه و اقتدار است. عنصر هویتی که اروپا را به عنوان دیگری تعریف می‌کند، اما به علت مزایا و دستاوردهای همکاری، خواستار همکاری با آن است.

۳-۲-۱-۳. پارسایی: عدالت و توسعه بر اخلاق جمعی اسلامی تاکید دارد. عمده رهبران و اعضای این حزب متدین و مبادی به آداب اسلامی هستند. این رفتار بر دیدگاهی اجتماعی از اسلام تاکید دارد (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۵۲-۱۵۹).

۳-۲. هویت نوعی حزب عدالت و توسعه ترکیه

عدالت و توسعه خود را یک حزب راست میانه می‌داند و بر این موضوع اصرار دارد. مؤلفه‌های راست‌گرایی در این حزب موجود است و افزون‌بر این، وجود این مؤلفه‌ها در دیگر گروه‌ها و احزاب باعث می‌شود که راست‌گرایی میانه را بتوان به عنوان هویت نوعی عدالت و توسعه صورت‌بندی نمود. حزب عدالت و توسعه و به ویژه شخص اردوغان در تلاش‌اند که با پیوندزایی از جایگاه خود در میان احزاب اسلام‌گرای پیشین و شخص اربکان و پیوند زدن خود به احزابی چون حزب دموکرات ترکیه، خود را میراث‌داران سیاستمدارانی چون خلیل تورگوت اوزال^۱ و عدنان مندرس^۲ معرفی نموده و خود را به عنوان حزبی راست میانه ارائه کنند (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

حزب عدالت و توسعه اساساً نماینده جدید راست میانه در قرن ۲۱ در ترکیه است که امتداد احزابی چون حزب دموکرات، حزب عدالت و حزب مام میهن در ترکیه را نمود می‌بخشد (OSMANBAŞOĞLU, 2014: 1).

راست میانه در ترکیه با ظهور حزب دموکرات در این کشور در مقابل حزب جمهوری‌خواه خلق در نیمه دوم ۱۹۴۰ پا به عرصه وجود گذاشت. حزب جمهوری‌خواه خلق نمودار چپ میانه و حزب دموکرات نماینده راست میانه بود که دو مؤلفه اصلی آنها را از یکدیگر جدا می‌ساخت و همین موارد را می‌توان

1. Halil Turgut Özal
2. Adnan Menderes

به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی بر ساخته راست میانه شناخت:

الف) تاکید راست میانه بر دموکراسی؛

ب) تمایز سیاست‌های اجتماعی دو طیف با تاکید راست میانه بر سیاست‌های

اجتماعی تکثرگرایانه (Osmanbasoglu, 2014: 1).

عدالت و توسعه چنانکه در ماده نخست از بند چهارم نظام‌نامه داخلی خود اذعان کرده، دموکراسی را به‌مثابه یکی از بنیادهای اداره سیاسی خود می‌شناسد و آنگونه که پیش‌تر ذکر شد، تبعیض میان مردم را روا ندانسته و در اساس همان‌گونه که در ماده ۳، بند ۴ از نظام‌نامه مذکور آمده، همه مردم ترکیه را به‌عنوان یک خانواده می‌شناسد که حزب باید به آنها خدمت کند (By-Law of The Justice and Development Party, 2012: 14-15). آنچه بیش از همه حزب عدالت و توسعه را در میان احزاب راست میانه جای می‌دهد، بدنه رأی این حزب و تنوع و گستره موجود در آن و پیروزی‌های سیاسی این حزب است (Osmanbasoglu, 2014: 40).

۳-۳. هویت مبتنی بر نقش حزب عدالت و توسعه ترکیه

رهبری در مناطق جغرافیایی تحت سلطه عثمانی (بعد ژئوپلیتیک نوعثمانی‌گرایی) معماری سیاست خارجی ترکیه با حاکمیت عدالت و توسعه را احمد داود اوغلو برعهده داشته است. براساس دیدگاه وی، عدالت و توسعه در نظر و عمل، ترکیه را نه همسایه‌ای در کنار مناطقی چون خاورمیانه، قفقاز و بالکان بلکه آن را به‌عنوان یک مرکز در نظر می‌گیرد که دارای عمق راهبردی است. از این‌رو این کشور باید سیاست خارجی متوازنی نسبت به تمامی مناطق مذکور در پیش گیرد و از تاکید صرف بر یک یا چند منطقه بپرهیزد؛ امری که در چرخش سیاست خارجی کشور ترکیه پس از روی کار آمدن عدالت و توسعه از یک‌جانبه‌گرایی غرب‌گرا به چندجانبه‌گرایی نمود یافت (گوهری مقدم و مددلو، ۱۳۹۵: ۱۲۳). براساس این دیدگاه، ترکیه باید به‌سان یک قدرت مرکزی، نقش رهبری را در چندین منطقه ایفا کند و از این هویت برخوردار است (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۰) و از این روست که داود اوغلو ایجاد یک مشترک‌المنافع به‌سان

مشترک‌المنافع انگلیسی در مناطق مذکور را مطلوب می‌انگاشت یا اردوغان دخالت ترکیه در امور داخلی سوریه را به «مسئولیت تاریخی» این کشور ارجاع می‌داد (نورالدین، ۲۰۱۶: ۲۵).

رویکرد مذکور از سوی عمده پژوهش‌گران با عنوان یکی از وجوه نوعثمانی‌گرایی مورد بازشناسی قرار گرفته است؛ هرچند عقیل سعید محفوض آن را با عنوان «امپریسم فرعی»^۱ صورت‌بندی می‌کند و آن را ریشه‌دار در فرهنگ جامعه ترکیه می‌داند (محفوض، ۲۰۱۲: ۱۵۷-۱۸۱). با این حال، عنوان آن هرچه باشد، نمودار مفهومی ژئوپلیتیکی است. به دیگر سخن انگاره هویتی برتری ژئوپلیتیکی ترکیه در مناطق مورد ادعا را بازنمایی می‌کند و نه انگاره تفوق هویت این کشور یا عدالت و توسعه بر هویت‌های مناطق مورد ادعا را.

۳-۴. هویت جمعی حزب عدالت و توسعه ترکیه

هویت مشترک هویت‌های موجود در مناطق تحت سلطه عثمانی (بعد هویتی و ژئوکالچری نوعثمانی‌گرایی)

چنانکه در بالا اشاره شد، نوعثمانی‌گرایی از نظر ژئوپلیتیکی بر رهبری ترکیه بر مناطق تحت سلطه عثمانی تاکید دارد درحالی‌که عدالت و توسعه، این مهم را به معنای برتری هویتی بر هویت‌های موجود نشناخته و به دنبال تعریف یک فراهویت نیست بلکه هویت مشترک فراگیری را مدنظر دارد که با آنها احساس اشتراک و به تعبیر دقیق‌تر احساس هویت جمعی دارد (گوهری مقدم و مددلو، ۱۳۹۵: ۱۳۳).

به نظر می‌رسد این ایده باعث تاکید عدالت و توسعه بر هویت‌های گوناگون خود است تا از طریق آنها به تعریف هویتی مشترک با تمامی هویت‌های موجود در دایره جغرافیایی عثمانی دست یابد. برای مثال عدالت و توسعه در مبارزه با کردها، از گفتمان قدیمی ناسیونالیسم کمالیست‌ها گذر کرده و با تاکید بر هویت مشترک اسلامی با کردها، مبارزه خود را با کردهای مارکسیست صورت‌بندی نمود

۱. الإمبرالیة الفرعیة (sub emperialism)

(گوهری مقدم و مددلو، ۱۳۹۵: ۱۳۴).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش، نخست به‌طور خلاصه تصویری از هویت‌های چهارگانه بازیگران مورد بحث ارائه می‌شود:

جدول ۱. هویت‌های چهارگانه جمهوری اسلامی ایران، اخوان المسلمین و حزب عدالت و توسعه

هویت‌ها	جمهوری اسلامی ایران	اخوان المسلمین	حزب عدالت و توسعه
پیکروار	ایرانیت	اخوانیسم	اسلام‌گرایی اصلاح‌طلب
		جماعت	دموکراسی محافظه‌کار
نوعی	اسلام‌گرایی شیعی	اسلام‌گرایی سنی	راست‌گرایی میانه
	مردم‌سالاری	هویت عربی	
	عدم تعهد	هویت افریقایی	
مبتنی بر نقش	حمایت از مستضعفان	مقابله با حکام بیگانه و غیراسلامی	دولت مرکزی
	استکبار ستیزی	حمایت از اقلیت‌های مسلمان	
	برتری منطقه‌ای		
جمعی	محور مقاومت	اخوان جهانی	هویت مشترک عثمانی

در مقایسه تفصیلی هویت‌ها و چهارگانه بازیگران جهت یافتن زمینه‌ها و موانع همکاری میان جمهوری اسلامی و دو بازیگر دیگر، با استفاده از نسب اربعه منطقی می‌توان چنین بیان داشت:

الف) بررسی تطبیقی هویت‌های جمهوری اسلامی و اخوان

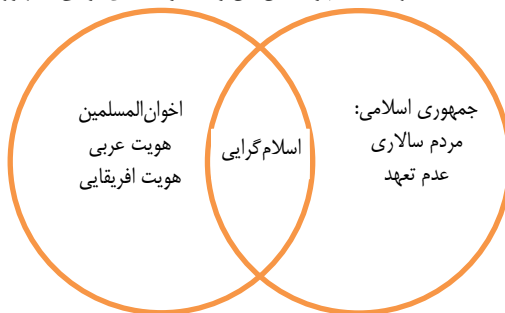
عناصر تشکیل دهنده هویت پیکروار جمهوری اسلامی با عناصر برساخته هویت پیکروار اخوان وجه اشتراکی با یکدیگر نداشته و دارای رابطه تباین هستند. از این رو نمی‌توان آنها را از زمینه‌های همکاری دو بازیگر به شمار آورد؛ چه‌آنکه در روابط بین‌الملل نیز همکاری یک دولت با یک بازیگر فرودولتی خارجی از آن رو که همسنگ یکدیگر نیستند، دشوار می‌نماید.

شکل ۱. رابطه متباین هویت پیکروار جمهوری اسلامی و اخوان



از نظر هویت نوعی، اسلام‌گرا بودن هر دو بازیگر، زمینه‌ای برای همکاری است؛ هرچند شیعه بودن اسلام‌گرایی جمهوری اسلامی ایران و در مقابل، سنی بودن اسلام‌گرایی اخوان‌المسلمین مصر، به‌سان مانعی در برابر همکاری است؛ اما با توجه به دیدگاه وحدت‌گرایانه دو طرف نمی‌توان آن را لزوماً مانعی در برابر همکاری دانست. میان دیگر هویت‌ها و نوعی دو طرف نیز تباین برقرار است و تاثیری در ایجاد همکاری یا واگرایی میان دو طرف ندارد؛ از این رو می‌توان رابطه میان هویت اسلام‌گرای دو طرف را من وجه دانست.

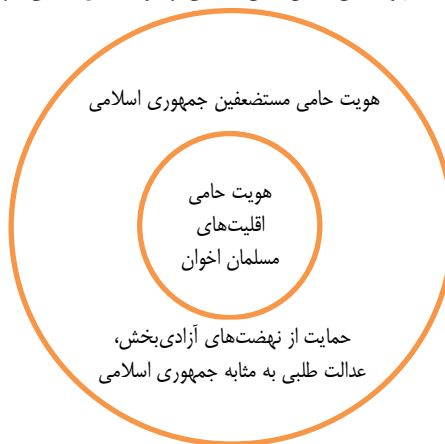
شکل ۲. رابطه عام و خاص من وجه هویت‌های نوعی جمهوری اسلامی و اخوان



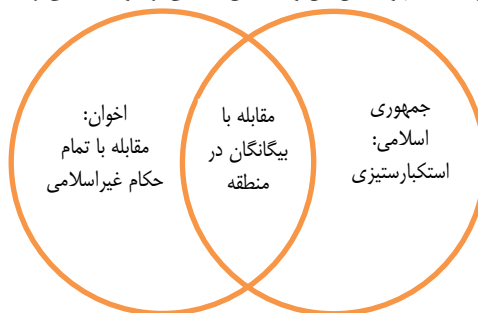
هویت مبتنی بر نقش حمایت از مستضعفین جمهوری اسلامی ایران با هویت منفعت‌مبتنی بر نقش حمایت از اقلیت‌های مسلمان جماعت اخوان‌المسلمین مصر، رابطه عام و خاص مطلق دارد. بنابراین چون هویت مبتنی بر نقش جمهوری اسلامی ایران، این وجه از هویت و مبتنی بر نقش اخوان‌المسلمین مصر را نیز در بر می‌گیرد، زمینه‌ای برای همکاری میان دو طرف است؛ اما دیگر هویت و مبتنی بر

نقش دو طرف یعنی مقابله با مستکبران در هویت مبتنی‌بر نقش جمهوری اسلامی و مقابله با حکام غیراسلامی در هویت مبتنی‌بر نقش جماعت اخوان‌المسلمین مصر، رابطه عام و خاص من وجه دارد و از این‌رو می‌تواند هم زمینه‌ای برای همکاری و هم مانعی برای آن باشد؛ امری که در همگرایی دو طرف در براندازی حسنی مبارک و از سوی دیگر واگرایی دو طرف در بحران سوریه خودنمایی می‌کند.

شکل ۳. رابطه عام و خاص مطلق میان بخشی از هویت‌های نقشی ایران و اخوان



شکل ۴. رابطه عام و خاص من وجه میان بخشی از هویت مبتنی‌بر نقش جمهوری اسلامی و اخوان



از منظر هویت و جمعی نیز، هیچ اشتراکی میان هویت و جمعی دو طرف دیده نمی‌شود. اساساً نبود یک هویت جمعی میان دو طرف، لاقلاً به معنای نبودن زمینه همکاری میان جمهوری اسلامی ایران و اخوان‌المسلمین مصر است.

شکل ۵. رابطه متباین هویت جمعی جمهوری اسلامی و اخوان

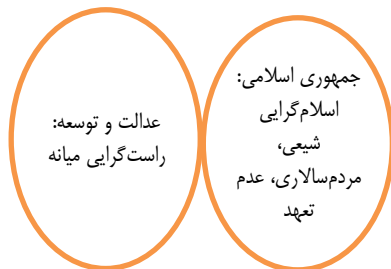


ب) بررسی تطبیقی هویت‌های جمهوری اسلامی و عدالت و توسعه از منظر هویت پیکروار هر دو بازیگر باید گفت که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آنها وجه اشتراکی با یکدیگر نداشته و زمینه‌ای برای همکاری میان آنها ایجاد نمی‌کند؛ همین مسئله در مقایسه هویت‌های نوعی آنها نیز قابل ملاحظه است.

شکل ۶. رابطه متباین هویت پیکروار جمهوری اسلامی و عدالت و توسعه



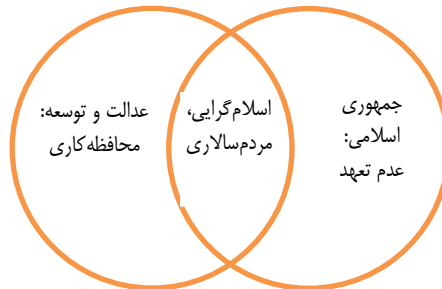
شکل ۷. رابطه متباین هویت‌های نوعی جمهوری اسلامی و عدالت و توسعه



با این وجود، ارزیابی هویت پیکروار و نوعی دو بازیگر با یکدیگر، زمینه‌هایی برای همکاری میان دو طرف را برجسته می‌سازد؛ چه آنکه اسلام‌گرایی به‌عنوان یک مؤلفه تشکیل‌دهنده هویت نوعی جمهوری اسلامی و از سوی دیگر

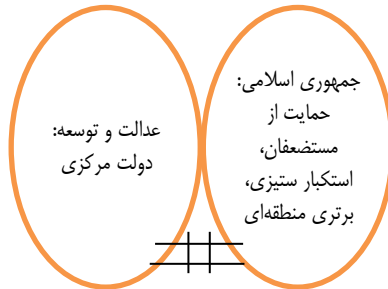
اسلام‌گرایی به‌عنوان یک مؤلفه تشکیل‌دهنده هویت پیکروار عدالت و توسعه، زمینه همکاری میان دو طرف را ایجاد می‌کند و دموکراسی و مردم‌سالاری به‌عنوان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت پیکروار عدالت و توسعه و هویت نوعی جمهوری اسلامی، زمینه‌هایی برای همکاری دو طرف ایجاد می‌کند. در واقع میان هویت نوعی جمهوری اسلامی و هویت پیکروار عدالت و توسعه رابطه عام و خاص من وجه برقرار است؛ البته باید توجه داشت که تفاوت‌گونه‌های هویتی که مورد اشتراک دو طرف است را نمی‌توان زمینه‌هایی جدی برای همکاری دو طرف به شمار آورد؛ چه‌آنکه این هویت‌های نوعی، نقشی و جمعی است که زمینه‌های اصلی همکاری دو طرف در روابط بین‌الملل را فراهم می‌آورد و تناسب میان هویت‌های پیکروار با دیگر هویت‌های طرف مقابل بیانگر آن است که دو طرف تخاصم ذاتی با یکدیگر ندارند.

شکل ۸. رابطه عام و خاص من وجه میان هویت نوعی جمهوری اسلامی و پیکروار عدالت و توسعه



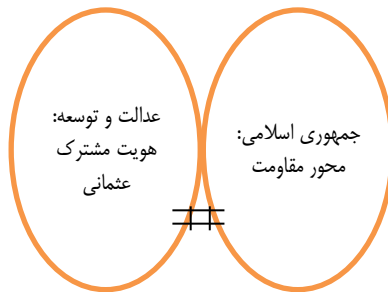
از نظر هویت و مبتنی بر نقش دو طرف، دو مؤلفه برساخته حمایت از مستضعفان و استکبارستیزی جمهوری اسلامی و هویت مبتنی بر نقش عدالت و توسعه رابطه‌ای متباین دارند؛ اما لزوماً نقش ایجابی و سلبی در همکاری دو طرف ندارد. با این وجود هویت برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی و دولت مرکزی عدالت و توسعه ناسازگار بوده و رقابت را برای هر دو طرف الزام می‌دارد.

شکل ۹. رابطه متباین و ناسازگار در هویت مبتنی بر نقش جمهوری اسلامی و عدالت و توسعه



از نظر هویت جمعی نیز رابطه میان دو طرف متخاصم و مانعی برای همکاری میان آنها است؛ چه آنکه هویت جمعی دو طرف، حمایت از هویت‌های یکسانی را با گفتمان‌هایی متفاوت الزام می‌دارد که عامل تنخاصم میان آنها است.

شکل ۱۰. تباین تنخاصم هویت جمعی جمهوری اسلامی و عدالت و توسعه



نتیجه‌گیری

به‌طور خلاصه یافته‌های پژوهش در پاسخ به این پرسش که زمینه‌ها و موانع جمهوری اسلامی با اخوان و عدالت و توسعه چیست قابل تبیین است. زمینه‌ها و موانع همکاری جمهوری اسلامی با اخوان و عدالت و توسعه در سطح کارگزاری و با تاکید بر مقوله هویت قرار دارد.

زمینه‌های همکاری جمهوری اسلامی و اخوان عبارت‌اند از اشتراک هر دو بازیگر در هویت پیکروار اسلام‌گرایانه و منافع ناشی از آن، اشتراک هر دو بازیگر در هویت نوعی حمایت اقلیت‌های مسلمان و منافع ناشی از این هویت، اشتراک هر دو بازیگر در هویت مبتنی بر نقش مقابله با بیگانگان و مستکبران در منطقه و منافع مبتنی بر این هویت. موانع همکاری جمهوری اسلامی و اخوان در سطح

کارگزاری عبارت‌اند از: امکان تخاصم در هویت مبتنی بر نقش اخوان‌المسلمین مبنی بر تقابل با حکام غیراسلامی در منطقه و منافع مبتنی بر آن با هویت پیکروار جمهوری اسلامی و منافع ناشی از آن و نبود هویت جمعی مشترک میان هر دو بازیگر.

به همین ترتیب زمینه‌های همکاری جمهوری اسلامی و عدالت و توسعه در سطح کارگزاری عبارت‌اند از: اشتراک هویتی هر دو بازیگر در مؤلفه هویتی اسلام‌گرایی و اشتراک هویتی و منفعتی هر دو بازیگر در مؤلفه هویتی مردم‌سالاری. از سوی دیگر موانع همکاری جمهوری اسلامی و عدالت و توسعه در سطح کارگزاری عبارت‌اند از: نبود هویت و منافع مشترک پیکروار و نوعی میان دو بازیگر، تباین مؤلفه هویت نقش‌برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی و هویت دولت مرکزی عدالت و توسعه و تباین هویت جمعی مقاومت جمهوری اسلامی و عثمانی‌گرایی عدالت و توسعه.

پی‌نوشت‌ها

۱. تحلیل زمینه‌ها و موانع همکاری جمهوری اسلامی ایران با اخوان‌المسلمین مصر و عدالت و توسعه ترکیه در هر دو سطح کارگزاری و ساختاری در پایان‌نامه نویسنده انجام شده است. در این مقاله با توجه به لزوم پرهیز از اطناب، تنها بر عوامل سطح کارگزاری تاکید شده است.
۲. اردوغان در سخنرانی خود در مؤسسه امریکن اینترپرایز به تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۰۴، بر این هویت و عنوان تاکید کرد. افزون بر این دکتر یالچین اكدوغان، از مشاوران نزدیک اردوغان و از نظریه‌پردازان حزب عدالت و توسعه در جزوه‌ای با عنوان «دموکراسی محافظه‌کار» به توضیح این مفهوم پرداخته است. برای آگاهی از سخنان اردوغان در مؤسسه امریکن اینترپرایز، رک:

<http://www.aei.org/publication/the-turkish-model-for-democracy-in-a-muslim-land/#>

منابع

الف) فارسی

امام جمعه زاده، سیدجواد و همکاران. ۱۳۹۲. «تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تاکید بر حزب عدالت و توسعه»، **مطالعات جهان اسلام**، شماره ۳: ۴۵-۷۲.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۸۶. «هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، در داود کیانی، **منافع ملی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

قالیاف، محمدباقر؛ پویند، محمدهادی. ۱۳۹۰. «تبیین جغرافیایی بنیادهای هویت ملی (مطالعه موردی: ایران)»، **مطالعات ملی**، شماره ۴۵ (بهار): ۳-۲۴.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

عسگرخانی، ابومحمد؛ منصورى مقدم، جهانشیر. ۱۳۸۹. «همکاری و منازعه در روابط بین‌الملل: نگاهی به نظریه سازه‌انگاران» **الکساندر ونت**، **فصلنامه سیاست**، ۴۰، ۳ (پاییز): ۱۸۹-۲۰۸.

سن، آمارتیا. ۱۳۹۴. **هویت و خشونت: توهم تقدیر**، ترجمه فریدون مجلسی، تهران: پایان.

گوهری مقدم، ابوذر و مددلو، رامین. ۱۳۹۵. «ریشه‌های عثمانی‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه (۲۰۰۲-۲۰۱۵)»، **پژوهش‌های راهبردی سیاست**، شماره ۱۷ (تابستان): ۱۲۱-۱۴۲.

ونت، الکساندر. ۱۳۸۴. **نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

یاووز، هاکان. ۱۳۸۹. **سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه**، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.

البنّا، حسن. **مجموعه رسائل الإمام الشهيد حسن البنّا، الإسكندرية: دار الدعوة، بی تا.**

اللائحة الداخلية لجماعة الاخوان المسلمين، ۱۹۴۸.

اللائحة العالمية لجماعة الاخوان المسلمين، ۱۹۹۴.

- مجموعة القوانين واللوائح الإدارية لجماعة الاخوان المسلمين إلى سنة ١٩٤٤.
النظام العام للاخوان المسلمين، ١٩٨٢.
عاكف، مهدي. ٢٠٠٤. مبادرة جماعة الاخوان المسلمين للإصلاح الداخلي في مصر،
القاهرة.
عاكف؛ مهدي. ٢٠٠٥. البرنامج الانتخابي للاخوان المسلمين لخوض إنتخابات مجلس
الشعب المصري لعام ٢٠٠٥، القاهرة.
محفوظ، عقيل سعيد. ٢٠١٢. السياسة الخارجية التركية: الإستمرارية- التغيير، بيروت:
المركز العربي للأبحاث ودراسة السياسات.
نور الدين، محمد. ٢٠١٦. «تركيا بين تحولات الداخل وتقاطعات الخارج»، حلقة نقاشية:
تركيا إلى أين، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية، ٢٢- ٣٢.

(ب) انگلیسی

- Al-Anani, Khalil. 2016. *Inside the Muslim Brotherhood: Religion, Identity, and Politics*, New York: Oxford University Press.
- Atacan, Fulya. 2005. 'Explaining Religious politics at the Crossroad: AKP-SP', *Turkish Studies*, 6, 2: 187- 199.
- Dagi, Ihsan D. 2006. "The Justice and Development Party: Identity, Politics, and Discourse of Human Rights in the Search for Security and Legitimacy", in: H. Yavuz, *The Emergence of a New Turkey: Democracy and the AK Parti*, Salt Lake City: Utah University Press, 88- 106.
- Eligur, Banu. 2010. *The Mobilization of Political Islam in Turkey*, New York: Cambridge University Press.
- Fearon, James. 1997. *What is identity (as we now use the word)?* manuscript, University of Chicago.
- Turunc, Hasan. 2007. 'Islamicist or Democratic? The AKP's Search for Identity in Turkish Politics', *Journal of Contemporary European Studies*, 15, 1: 79- 91.
- Wendt, Alexander. 1999. *Social Theory of International Politics*, Cambridge: Cambridge University Press.
- KAYA OSMANBAŞOĞLU, GÜLSEN. 2014. *TYPOLOGY OF THE CENTER-RIGHT IN TURKEY*, the Department of Political Science\ İhsan Doğramacı Bilkent University.